

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت جهانی حضرت محمد ﷺ

دوره چهارم، شماره پنجم

دوره چهارم، شماره پنجم / ۳

نام جزوه: رسالت جهانی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- اسلام دین شرق و غرب..... ۵
- شاهد دیگری بر جهانی بودن اسلام..... ۱۰
۱. به کسری، پادشاه ایران..... ۱۲
۲. به هرقل پادشاه روم..... ۱۳
۳. به زمامدار یمامه..... ۱۴
۴. به یهودیان..... ۱۵
۵. به اسقف نجران..... ۱۶
- وظیفه‌ی ما، در ابلاغ رسالت اسلام..... ۱۷

دوره چهارم، شماره پنجم / ۵

اسلام دین شرق و غرب

اسلام از روز اوّل چون چشمه‌ی صاف و زلالی، ظاهر شد و آنگاه رفته رفته بر پهنا و ژرفای آن افزوده گشت و سرانجام به صورت جویبار و رودخانه‌ی عظیمی درآمد که در سرزمین‌های مختلف، بشریت را آبیاری می‌کرد و انسان‌ها را سیراب می‌ساخت؛ و هم‌اکنون نیز هر چه پیش‌تر می‌رود، عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد و به‌راستی می‌تواند چرکینی همه‌ی سنت‌های غلط را بشوید و مردم را در هر زمان و مکان، به راه هدایت رهنمون باشد.

اسلام، علیرغم سیاست‌های استعماری جهان به پیش می‌رود و وارونه‌گویی‌ها و فعالیت‌های دشمنان، به خاطر در هم کوبیدن پایه‌های اسلام نتوانسته است کاری از پیش ببرد.

اسلام، رمز پیروزی و عمومیت را به دست دارد و با توجّه به آن قوانین و برنامه‌های خود را پی‌ریزی کرده است.

آن راز بزرگ و آن رمز، مطابقت اسلام با فطرت انسان‌هاست که همه به‌طورکلی از آن برخوردارند و اساس زندگی آن‌ها بر آن استوار است. بنابراین کسانی که می‌گویند: شرق، شرق است و غرب، غرب، پیامبر شرقی نمی‌تواند راهبری غرب را به عهده بگیرد، سخت در اشتباه‌اند زیرا شرق و

دوره چهارم، شماره پنجم / ۷

غرب از نظر فطرت یکسانند و همان گونه که شرقی محتاج دین فطری است، غربی هم نیازمند به آن است.

محمد (صلی الله علیه وآله) از مکه، مردم

جهان را به اسلام دعوت کرد.

آن روز که شعار توحید، به وسیله‌ی پیامبر ما، در فضای تاریک مکه، طنین انداخت، تنها نظر پرچم دار این نهضت، اصلاح منطقه‌ی حجاز و گروه عرب نبود، بلکه مأموریت داشت رسالت جهانی خود را از محیط عربستان شروع کنند.

شاهد آن، جمله ایست که آن حضرت در آغاز

دعوت عمومی خویش به نزدیکانش فرمود:

«انى رسول الله اليكم خاصة و الى الناس

عامه...»^۱.

همانا من فرستاده‌ی خدایم به‌سوی خصوص شما و به‌سوی عموم مردم. همچنین آیاتی از قرآن این حقیقت را تأیید می‌کند و اکنون به سه آیه‌ی زیر توجه کنید:

۱. «قل يا ايهاالناس انى رسول الله اليكم

جميعا...»^۲.

بگو، ای مردم! همانا من فرستاده‌ی خدایم

به‌سوی همه‌ی شما.

۲. «و ما ارسلناك الا رحمة للعالمين...»^۱.

۱. کامل التواریخ، ج ۲، ص ۶۱، چاپ بیروت سال ۱۳۸۵.

۲. سوره‌ی اعراف، اعراف، آیه‌ی ۱۵۸.

دوره چهارم، شماره پنجم / ۹

نفرستادیم ترا مگر به منظور رحمتی - گسترده
برای جهانیان.

۳. «... وَأَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ
بَلَغَ...»^۲.

این قرآن به من وحی شده است تا با آن شما و
هر کس دیگر را که قرآن به او برسد، بیم دهم.
از آیات بالا آشکارا معلوم می‌شود که رسالت
جهانی پیامبر، پس از ورود به مدینه و گسترش
اسلام، طرح ریزی نشد، بلکه دعوت آن عمومی آن
حضرت از روز اول برای عموم مردم در همه‌ی
زمان‌ها و مکان‌ها، آغاز گردید.

۱. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۷.

۲. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۹.

پیشوای ما امام صادق (علیه السلام)، در پاسخ
مردی که پرسید چرا قرآن هر چه خوانده و درس
داده می شود تازه است؟ فرمود:

«خداوند قرآن را برای زمان و گروه ویژه‌ای
نفرستاده است، بدین جهت تا رستاخیز در هر زمانی نو
و پیش هر گروهی تازه است».^۱

شاهد دیگری بر جهانی بودن اسلام

پیامبر اسلام در سال ششم هجرت نمایندگان خود را
به سوی زمامداران عالم فرستاد و با نامه‌هایی که
(محمد رسول الله (صلی الله علیه وآله)) بر تارک آن
می درخشید، آنان را به اسلام دعوت کرد. این نامه ها،

دوره چهارم، شماره پنجم / ۱۱

همه معنای واحدی را در برداشتند و آن دعوت به توحید و اخوت اسلامی بود.

و چون دعوت پیامبر، به فرمان خدا و برای هشدار دادن مردم بود، اثر عمیق و قابل توجهی در آنان می گذاشت، به طوری که مردم حق جو و باانصاف اسلام را پذیرفتند؛ مانند نجاشی، مقوقس و دیگران^۱.
تحقیقاتی که در زمینهی جمع آوری نامه های تبلیغی پیامبر (صلی الله علیه وآله) شده است، نشان می دهد که آن حضرت حدود ۶۲ نامه به پادشاهان،

۱. کامل ابن اثیر، چاپ ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۰ - مکاتیب

الرسول، ج ۱ ص ۳۱ - ۳۰.

بزرگان قبایل و دیرنشینان، برای دعوت به اسلام فرستاده است که متن ۲۹ عدد آنها در اختیار است!^۱ و اینک نظری به قسمتی از نامه‌های پیامبر: ۱. به کسری، پادشاه ایران

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

از محمد فرستاده‌ی خدا، به کسری بزرگ فارس، درود بر رهرو هدایت و گرونده‌ی به خدا و رسولش، آن‌که شهادت به یکتاپرستی و رسالت بنده‌ی خدا محمد، بدهد.

همانا من تو را به فرمان خدا به سوی اسلام می‌خوانم و من فرستاده‌ی خدا به سوی تمام مردم

۱. مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۱ - ۳۵ و ص ۱۸۲ - ۹۰.

دوره چهارم، شماره پنجم / ۱۳

هستم تا دل های زنده را بیم دهم و کافران هم عذری نداشته باشند. اسلام را بپذیر تا در حصار صلح و سلامت قرارگیری و چنانچه روی برتابی، گناه مجوس بر توست»^۱.

۲. به هرقل پادشاه روم

«بسم الله الرحمن الرحيم»

... من تو را به اسلام دعوت می کنم، چنانچه در حصار محکم اسلام داخل شوی؛ در نفع و ضرر با مسلمانان شریکی... وگرنه مردم را آزاد بگذار تا

۱. مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۹۰ - سیره ی حلبیه، ج ۳،

اسلام را بپذیرند و یا جزیه پردازند و مانع آنها
مباش.»^۱

(نامه های پیامبر منحصر به پادشاهان نبود بلکه
برای ملت ها و مذاهب مختلف هم می فرستاد تا همه
از طلوع خورشید اسلام باخبر باشند).
۳. به زمامدار یمامه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

نامه ای است از محمد پیام آور خدا، به سوی
هوذه، درود بر کسی باد که هدایت و راهنمایی
راهنمایان دین را متابعت نماید.

- توای زمامدار یمانه - بدان که دین من تا
آخرین نقطه که بشر می تواند بدان دست یابد

دوره چهارم، شماره پنجم / ۱۵

پیشرفت می‌کند، پس دین اسلام را بپذیر تا سالم
بمانی...»^۱.

۴. به یهودیان

«نامه ایست از محمد، فرستاده‌ی خدا، برادر و همراه
موسی بن عمران. خداوند او را به همان رسالتی که
حضرت کلیم را مأمور ساخته بود فرستاده است.
شمارا به خدا و آنچه - الواح مقدسی که - در طور
سینا بر موسی فرود آورد... سوگند می‌دهم:

آیا رسالت مرا به سوی جامعه‌ی یهود و جمیع
مردم، در کتاب آسمانی‌تان یافته‌اید؟! اگر چنین است،

پس از خدا بترسید و اسلام را بپذیرید و اگر هم چنین چیزی را نیافته‌اید معذورید»^۱.

۵. به اسقف نجران

«به نام خدای معبود (و خدای) ابراهیم...

نامه ایست از محمد پیامبر خدا به اسقف

نجران...

همانا من شمارا از پرستش بندگان به بندگی و

پرستش خداوند معبود حقیقی می‌خوانم...»^۲.

۱. مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. البداية و النهاية، ج ۵، ص ۵۳.

دوره چهارم، شماره پنجم / ۱۷

وظیفه‌ی ما، در ابلاغ رسالت اسلام

پیشرفت سریع اسلام، بیش از هر چیز مدیون فعالیت‌های پی‌گیر و شبانه‌روزی پیامبر عزیز ما (صلی الله علیه و آله) و یاران وفادارش می‌باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در راه تبلیغ اسلام از دنیروی مجهز استفاده کرد: یکی گویندگان زبردستی که حقیقت اسلام را یافته بودند و به آن حضرت عشق و ایمان داشتند و دیگر نامه‌هایی که نشان‌دهنده‌ی تعلیمات حیات‌بخش و آینه‌ی تمام‌نمای اسلام بود.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، با نداشتن وسایل لازم، پیک‌های خود را به اطراف جهان فرستاد.

اکنون روح پیامبر ما، نگران جامعه‌ی مسلمانان است که چگونه در راه رسالت اسلام فعالیت می‌کنند و آیا برای عمومی کردن تعلیمات اسلام از وسایل جدید و طرح‌های نو استفاده می‌کنند؟

ما باید برای ابلاغ رسالت جهانی اسلام همه‌ی نیروهای خود را متمرکز کنیم و از فداکاری‌های لازم در راه گسترش اسلام دریغ ننماییم، باشد که برادران و خواهران شرقی و غربی را به این چشمه‌ی حیات بخش رهنمون گردیم و از دنیایی فضیلت و خدمت برخوردار شویم. همان‌طور که پیامبر عزیز ما (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود:

دوره چهارم، شماره پنجم / ۱۹

«... به خدا سوگند، اگر انسانی را خدا به دست تو هدایت کند، از آنچه خورشید بر آنها می‌تابد و غروب می‌کند برای تو بهتر است...».

پایان